

مقاله پژوهشی

جلفا، بازمانده‌ای از مفهوم محله

محمد رضا سرتیپی اصفهانی*

دانشجوی کارشناسی ارشد معماری منظر، دانشکده معماری، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

نگین ثقیان

دانشجوی کارشناسی ارشد معماری داخلی، دانشکده معماری، دانشگاه سوره، تهران، ایران.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۷/۲۲ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۲/۰۶ تاریخ قرارگیری روی سایت: ۱۴۰۱/۰۷/۰۱

چکیده | جلفا یکی از قدیمی‌ترین محلات شهر اصفهان است که به‌منظور اسکان مسیحیان ارمنستان، در جنوب زاینده‌رود در زمان صفویه احداث شد. پس از گذشت ایام از زمان ساخت آن تاکنون، هرچند این محله مانند دیگر نقاط شهر دستخوش تغییرات بسیاری شده است، اما جزء معدود محلاتی است که هنوز پیشوند «محله» را با خود حمل می‌کند و شهروندان، به‌عنوان مخاطبین منظر شهر، «محله‌بودن» آن را به رسمیت می‌شناسند. اما سؤال این است که چه عامل(هایی) باعث شده این منطقه در مقابل فشارهای ساختار شکن ناشی از قرائتی از شهرسازی مدرن وارداتی، تاب آورد در صورتی که محله مشابه جویباره از این نظر فاقد موفقیت است؟ بی‌شک عوامل مختلفی باعث تشخیص منطقه‌ای از شهر و تبدیل آن به محله می‌شود اما در پژوهش پیش‌رو با نوعی خاص از محله اقلیت‌نشین مواجه هستیم که برخلاف نظریات بسیاری از جامعه‌شناسان و انسان‌شناسان معتبر، از رونق فراوانی بهره‌مند است. با بررسی منابع کتابخانه‌ای و اسناد، بازدید میدانی و با بهره‌گیری از رویکرد کل‌نگر منظر و به مدد جامعه‌شناسی و انسان‌شناسی تاریخی، مشخص شد که تهدید اقلیت‌بودن در این محله، به فرصت تبدیل‌شده و باعث ایجاد هم‌بستگی و حس تعلق خاطر نسبت به محله گردیده است (این امر مورد تأیید صاحب‌نظران نیز هست). اما با مقایسه ناحیه دیگر اقلیت‌نشین در اصفهان همان دوران، یعنی محله «جویباره» (بهبودی سابق)، نکته حائز اهمیت این است که تنها هم‌بستگی ناشی از اقلیت‌بودن کافی نبوده و هنگامی که قدرت، ثروت و آزادی عمل از جانب حکومت به همراه عوامل فرهنگی (از بیرون)، به کمک این هم‌بستگی (از درون) بیاید، محله‌ای سرشار از پویایی و پیشرفت را به ارمغان خواهد آورد. پژوهش پیش‌رو به دنبال بررسی و تحلیل برخی از مهم‌ترین عوامل موفقیت جلفا در محله‌بودن به نسبت جویباره است. عواملی که شاید بخشی از مؤلفه‌هایی باشند که به رونق و احیا مفهوم محله کمک می‌کنند.

واژگان کلیدی | محله، منظر، محله جلفا، محله جویباره، اصفهان، اقلیت، هم‌بستگی.

در تقویت و احیا مفهوم «محله» دارند. با این حال در این تقلید کورکورانه، محلاتی به‌ندرت دیده می‌شوند که از این تغییر اساسی، بیشتر در امان بوده و خود را حفظ کرده‌اند. محله جلفا در شهر اصفهان، یکی از این محلات است. هرچند شکل ظاهری محله و اجزاء آن مانند سلول‌های بدن انسان بارها دچار تغییر شده اما ماهیت کلی آن در قالب یک

مقدمه | محله واژه‌ای است که امروزه به خاطره‌ها پیوسته و گوهر ارزنده‌ای به‌جامانده از نیاکان است که امروزه به بهایی ناچیز در قبال قرائتی از شهرسازی مدرن، از دست رفته است. پس از گذشت سال‌ها و تجربه مدرنیسم، انسان‌های مولد این دیدگاه، به نقض‌های آن پی‌برده‌اند و مجدد سعی

* نویسنده مسئول: ۰۰۹۳۹۲۲۵۸۱۴۵ Mohammad.sartipi@ut.ac.ir

محلّه، هم‌چنان تا حدودی قابل‌درک است؛ این در صورتی است که جویباره، دیگر محلّه اقلیت‌نشین شهر و همچنین دیگر محلات اکثریت‌نشین، از این موهبت بی‌بهره مانده‌اند. به چه دلیل محلّه جلفا هم‌چنان محلّه باقی مانده است و مردم پیشوند محلّه را پیش از اسم آن به کار می‌برند (جلفا را به‌عنوان یک محلّه به رسمیت می‌شناسند)؟ و چگونه این پتانسیل بالقوه، بالفعل گشته و در مقایسه با محلّه‌های دیگر اصفهان خود را با شرایط موجود به‌خوبی تطبیق داده‌است؟ به چه دلیل محلّه مشابه (از نظر شرایط اقلیتی) جویباره این‌چنین نیست؟ با استفاده از انسان‌شناسی تاریخی می‌توان در تاریخ کنکاشی داشت تا ریشه‌ها و ویژگی‌های محلّه جلفا و جویباره نمایان شوند. پس از آن با جمع‌بندی مطالب گفته‌شده، می‌توان به برخی از مهم‌ترین مؤلفه‌های رویین‌تن‌شدن جلفا دست یافت که شاید بتواند در احیا و ساماندهی محلات شهرهای معاصر کمک‌کننده باشد. در این بین باید از برخی آفات که باعث تضعیف محلّه، رونق سوری یا ادراک اشتباه از آن می‌شود نیز یاد کرد. آفاتی که ناشی از برنامه‌های اشتباه غیرتخصصی و یا عدم ادراک صحیح و کامل از محلّه است. در بسیاری از تحقیقات صورت‌گرفته دربارهٔ محلات مشابه موضوع تحقیق، تحلیل و ارائهٔ راه‌کارها به عوامل و تمهیدات صرفاً کالبدی محدود شده‌اند لذا در متن پیش‌رو، مقصود معرفی رویکرد منظر به‌عنوان رویکردی کل‌نگر است که در ادراک کامل‌تر ما را یاری رساند. با توجه به این‌که منظر دارای هر دو وجه عینی و ذهنی است، تمرکز بیشتر را بر مفهومی ذهنی قرار دادیم که کمتر بدان پرداخته شده است.

پرسش‌های تحقیق

چه مؤلفه‌هایی باعث شده است تا محلّه جلفا به نسبت اغلب محلات دیگر شهر پس از سال‌ها و گذراندن تحولات اساسی شهری تا حدی مصون بماند؟ ریشه و علل این مؤلفه یا مؤلفه‌ها چیست؟ مؤلفه‌های مذکور در طول تاریخ ثابت‌مانده یا دچار تحول شده‌اند؟ آیا دیگر محلات مشابه، مانند جویباره نیز چنین موهبتی داشته‌اند؟

روش تحقیق

به‌دلیل آن‌که محلّه جلفا هنوز به حیات خود ادامه می‌دهد، نه‌تنها زمان گذشته بلکه زمان حال آن نیز قابل‌مطالعه و بررسی است. به این منظور برای بررسی ریشه‌ها و تاریخچهٔ محلّه، از اسناد و منابع کتابخانه‌ای، و برای بررسی زمان حال، از مطالعه و بازدید میدانی استفاده شده است و رویکرد غالب پژوهش، رویکرد کل‌نگر منظر است. همچنین از برخی آراء صاحب‌نظران جامعه‌شناس و انسان‌شناس تاریخی نیز

پیشینه تحقیق

به‌دلیل قدمت و به‌خصوص پویایی جلفا، این محلّه نمونهٔ بسیار خوبی از زندگی شهری در مقیاس کوچک است که می‌تواند مورد توجه بسیاری از تخصص‌ها باشد. حفظ نشانه‌هایی از محلّه‌های سنتی، زندگی سرزندهٔ ساکنین محلّه (که متأسفانه به‌دلیل مهاجرت از بافت و تجاری‌سازی، در حال کاهش است)، حضور شهروندان از دیگر مناطق شهر برای خرید یا گذراندن اوقات فراغت، کافه‌گردی، وجود بافت تاریخی حفظ‌شده و جذب گردشگران داخلی و خارجی برای بازدید از محلّه و آثار تاریخی آن، وجود دانشکده‌های هنر در نقاطی از محلّه و مناطق اطراف آن و حضور دانشجویان جهت تحقیق، برداشت و ترسیم کروکی از محلّه، وجود مغازه‌های مختلف و جذاب برای مخاطب و دلایل فراوان دیگر باعث‌شده این محلّه پتانسیل مطالعه برای گروه‌های مختلفی مانند معماران، شهرسازان، نقاش‌ها، عکاس‌ها، جامعه و مردم‌شناسان را از گروه‌های دانشگاهی؛ گردشگران و راهنمایان، شهروندان جهت خرید، بازدید و یا تفریح و دیگر گروه‌های غیردانشگاهی دارا باشد. لذا ردپای جلفا را در آثار بسیاری از افراد می‌توان یافت اما در این‌جا تعدادی محدود از آن منابع به‌صورت اجمالی بررسی می‌شوند.

یکی از بهترین نمونه‌هایی که به مطالعهٔ جامعه‌شناسانهٔ جلفا به‌مثابهٔ یک محلّه اقلیت‌نشین پرداخته، مقالهٔ «جامعه‌شناسی تاریخی موقعیت و عملکرد اقلیت‌های مذهبی در شهر اصفهان دورهٔ صفوی» (جعفری، ۱۳۹۱) است. برای بررسی عصر صفوی از لحاظ تاریخی، لازم است به نوشته‌های سیاحان یا تاریخ‌نویسان و ادیبان از جمله جابری‌انصاری، کمپفر، شاردن، دروهانیان و دیگران مراجعه نمود که وضعیت مسیحیان و محلّه جلفا در دورهٔ صفوی را

هرگاه صحبت از اقلیت‌های ملی در کشورهای دیگر به میان می‌آید، بی‌شک «محلهٔ چینی‌ها» نمودی بسیار پررنگ خواهد داشت. از مهم‌ترین این محلات، در کشور ایالات متحده واقع شده است. انسجام درونی این واحدهای شهری اقلیتی از تداوم آن در طول سال‌ها عیان است. ارائهٔ فرهنگی خاص در میان فرهنگ غالب آمریکا مانند هرکجای جهان، حساسیت‌هایی به‌دنبال دارد که ردپای آن را می‌توان در مخالفت‌های آشکار و نهان فیلم‌ها، داستان‌ها و اخبار این کشور دید. محلهٔ چینی‌ها را می‌توان حصر اجتماعی دانست که هرچند در ابتدا با مفاهیم تحقیرآمیز و فقر همراه بوده اما حال قوتی در حد یک عضو مهم شهری و پتانسیل گردشگری و تولید سرمایه به خود گرفته است. در این‌باره می‌توان به تلاش‌های پژوهشی لو و همکارانش (Loo, Tong & True, 1989) و همچنین سانتوس و همکارانش اشاره کرد (Santos, Belhassen & Caton, 2008).

دستهٔ دیگر مطالعات مشابه، اقلیت‌های نژادی هستند که به‌واسطهٔ عواملی چون فرهنگ، آداب‌ورسوم یا رنگ پوست در میان اکثریت، متمایز گشته‌اند. مثال پرآوازهٔ آن، وضعیت سرخ‌پوستان بومی قارهٔ آمریکا و یا سیاه‌پوستان آن در طول سال‌های زیاد ستیز با سفیدپوستان است که محلاتی سیاه‌پوست‌نشین با اوضاعی نابسامان، جرم‌خیز و فقیر به ارمغان آورده است (Mitchel & Dell, 1992; Wacquant, 1993; Choy Wong, 1977; Brunson, 2007). در نهایت می‌توان گفت محلهٔ جلفا در اصفهان که هم‌زمان محله‌ای است با اقلیت مذهبی مسیحی و اقلیت ملی ارمنستانی را در خود جای داده، با مثال‌های جهانی ذکرشده، از نظر ویژگی‌هایی قرابت دارد. منابع ذکرشده، از جهات مختلفی به مسئلهٔ اقلیت‌ها و مناطق اقلیت‌نشین پرداخته‌اند اما این پژوهش قصد دارد به کمک آنها، تأثیر ویژگی‌های بالقوهٔ درون گروه‌های اقلیت و سنتز آن با مؤلفه‌های خارجی مانند حمایت حکومتی، تخصیص سرمایه، اعطای آزادی عمل و... بر حفظ و تقویت ویژگی‌های اقلیتی خویش را بررسی نماید و از آن نتیجه بگیرد که چگونه محله‌ای هنوز خود را به‌عنوان «محله» حفظ کرده است و آیا این امر تنها با انسجام درون‌گروهی ناشی از اقلیت‌بودن تأمین می‌گردد؟

مبانی نظری

• شهر، محله، منظر

سال‌هاست که انسان دریافته باید با افراد دیگر از نوع خود در ارتباط بوده و مناسبات حیاتی خود را با ایجاد ارتباطات اجتماعی بنا کند (هرچند عده‌ای بر این باورند که رفع نیازهای اولیه بدون تشکیل اجتماع نیز میسر می‌شود اما بیشتر معانی بشری در زندگی گروهی شکل

بیان می‌کنند. مقالاتی نیز به بررسی دین‌های ابراهیمی ایران و تأثیرات معماری و شهرسازی آنها پرداخته‌اند که می‌توان به مقالهٔ «معنای فضای شهری در دو طیف مسلمان و یهودی» (قلعه‌نوعی، صالحی‌نیا و پیمانفر، ۱۳۹۵) و مقالهٔ «تأثیر موازین فقهی بر شکل‌یابی معماری و محله‌های مسکونی اقلیت‌های یهودی و مسیحی در اصفهان دورهٔ صفوی» (کریمیان و نیک‌زاد، ۱۳۹۱) اشاره کرد. همچنین دستهٔ منابع جامعه‌شناسی و انسان‌شناسی تاریخی در درک بهتر مفاهیم و روابط و ریشهٔ آنها کمک‌کننده خواهند بود. کتاب «جامعه‌شناسی» اثر آنتونی گیدنز (۱۳۹۰)، کتاب «انسان‌شناسی شهری» (فکوهی، ۱۳۹۶)، کتاب «انسان‌شناسی» نوشتهٔ مارک اوژه و ژان-پل کولن (۱۳۹۸)، کتاب «ایران بین دو انقلاب» نوشتهٔ پرواند آبراهامیان (۱۳۹۹)، کتاب‌های ارزشمندی هستند که به مفاهیم مختلف جامعه‌شناسی و انسان‌شناسی پرداخته‌اند. مقالات و کتاب‌های دیگری نیز وجود دارند که در حوزهٔ معماری، معماری منظر و شهرسازی، مسائل اساسی از جمله سازمان شهری، محله و محله‌گرایی را تبیین نموده‌اند که به‌عنوان نمونه می‌توان به مقالهٔ «بازخوانی مؤلفه‌های سازندهٔ سازمان فضایی شهر ایرانی پس از اسلام» (ابرقویی فرد و منصور، ۱۴۰۰) و «محلهٔ نوین، الگوی جامعه‌شناسی شهری از توسعهٔ محله‌ای» (موسوی، ۱۳۹۱) اشاره کرد.

محلات مشابه زیادی در طول تاریخ در جغرافیای کرهٔ خاکی وجود داشته‌اند که وجه اقلیتی آنها را می‌توان پیش‌زمینهٔ مطالعات خود قرار داد. در دسته اول، پژوهش‌های بسیاری که تحلیل‌هایی از جامعهٔ یهودیان در زمان حصر و آزارهای جنگ دوم جهانی و پس از آن و اسکان مجدد ایشان در آلمان را می‌توان یافت که در زمان جنگ سرشار از تنش و پس از آن نیز گاهی توسط جناح‌های تندرو ادامه داشته است. در این‌باره می‌توان به نوشته‌های نادیه فضل در سایت خبری DW (فضل، ۱۴۰۰) و کتاب «The Emergence of Jewish Ghettos during the Holocaust» اشاره کرد (Michman, 2013). مطالعات دستهٔ دوم، ایجاد انجمن‌هایی را بیان می‌کند که در راستای مقابله با تبعیض‌های اقلیتی و ایجاد هم‌بستگی بیشتر (یک نمود کاربرد از روش‌های مردمی)، در کشورهای مختلف از جمله آلمان پس از جنگ‌های جهانی تأسیس شدند و هنوز هم فعالیت دارند (مانند «شورای یهودیان آلمان»، «کنگرهٔ جهانی یهودیان» یا «خانهٔ واحد ادیان») که می‌توان به مطالعات، سایت خبری DW (ایجاد «خانهٔ واحد» مسیحیان، مسلمانان و یهودیان، ۱۳۹۹) اشاره کرد (هرچند این دسته از مطالعات بیشتر به وجه جامعه‌شناسی و سیاسی تأکید داشته و از بحث این مقاله و مباحث شهری خارج است).

تنها نمی‌توانند توجه خود را به مسائل کالبدی معطوف کنند و در واقع امور مربوط به مسائل اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، زیست‌محیطی، و به‌ویژه سلامت روانی و جسمانی شهروندان اهمیتی بیش از امور کالبدی و سخت‌افزاری یافته‌اند» (براتی، ۱۳۹۱، ۶۶). اما در شهرسازی حاکم بر کشور ما، با قرائتی تقلیدی و ناقص از شیوه‌های اولیه مدرنیسم (که در کشورهای مولد آن دیگر اعتبار خود را از دست داده و عیوب آن باعث تجدیدنظر و توجه به رویکردهای جدید مانند محله‌گرایی شده است^۲) ساختار و سازمان محله‌ای در چنگال اصول ناحیه‌بندی یا همان Zoneing خرد شده که این امر خود باعث خودبستگی و منفعل شدن شهروندان نیز می‌شود (همان). این درحالی است که رویکردهای جدید طراحی شهری به سوی محله‌گرایی متمایل گشته‌اند^۳. نوربرگ-شولتز منظر را مرتبه‌ای زمین‌های می‌داند که ترکیب‌های فضای وجودی و هیئت‌ها در این زمینه [منظر] به ظهور می‌رسند. وی در توصیف این بستر بیان می‌کند «در کل، منظر ظرفیت خاصی دارد [...] این ظرفیت هم به اوضاع و احوال کالبدی-عملی بستگی دارد، هم به معنای آن که صور منظر بر آنها دلالت می‌کند» (نوربرگ-شولتز، ۱۳۹۸، ۵۴۱).

شاهچراغی و بندرآباد (۱۳۹۶، ۴۳۳) نیز منظر شهری را نه تنها شامل لایه‌های مختلف کالبدی طبیعی و مصنوعی بلکه شامل لایه‌های فرهنگی و رفتاری شهروندان می‌دانند که این خود دلیلی دیگر بر کل‌نگر بودن این دیسپلین است. عوامل مختلفی در شکل‌گیری و ادامه حیات محلات شهری به‌عنوان یکی از مصادیق «منظر» مؤثر است، اما در این متن صرفاً به مؤلفه‌ای پرداخته شده که در بین افرادی با ویژگی مشترک، مانند اقلیت‌های مذهبی، بیشتر دیده می‌شود و آن «هم‌بستگی میان افراد» است. امیل دورکیم جامعه‌شناس بزرگ فرانسوی در این باره می‌نویسد: «انسجام اجتماعی [...] چیزی است که جامعه را سرپا نگه [می‌دارد] و آن را از سقوط به قعر آشوب حفظ [می‌کند] [...] انسجام هنگامی شکل می‌گیرد که افراد با موفقیت در گروه‌های اجتماعی [مانند محلات] ادغام شوند و با مجموعه‌ای از ارزش‌ها و آداب‌ورسوم مشترک هدایت و تنظیم شوند» (گیدنز، ۱۳۹۰، ۷۵۱). باتوجه به اینکه هدف از این پژوهش بررسی تأثیر مفهوم اقلیت‌ها بر مفهوم محله‌های موردبررسی است، در این بخش صرفاً به تعریفی مختصر از مفهوم محله بسنده شده است. با توجه به توضیحات مختصری که درباره منظر ذکر شد، به نظر می‌رسد رویکرد منظر می‌تواند گزینه مناسبی برای تحلیل محلات شهری به‌مثابه قسمی از آن باشد که در ادامه با معرفی بیشتر آن، به بحث درباره محله پرداخته می‌شود.

می‌گیرد. «انسان تنها به‌صورت جمعی به خود می‌اندیشد. تمام اندیشه انسانی اجتماعی است [...]» (اوژه و کولن، ۱۳۹۸، ۲۴). «شهر، عالی‌ترین محصول تمدن انسان است» (منصوری، ۱۳۹۷، ۳) که یکی از مهمترین بسترهای شکل‌گیری اجتماع به‌شمار می‌رود. شهر خود از قطعاتی پازل‌گونه تشکیل شده که نه تنها در کنار هم قرار گرفته‌اند بلکه با یکدیگر ارتباطی متقابل دارند. این قطعات کل‌های کوچک منظرین به نام «محله» هستند و چنین رویکردی (محله‌گرایی) حاصل نگرش سیستمی به شهر است (ایرقویی فرد و منصوری، ۱۴۰۰، ۲۰). محلات در زمان ایجاد و در طی تاریخ حیات خود، لایه‌لایه مانند رج‌های دیوار، بنا شدند و اگر این لایه‌ها که همانا عناصر منظرین آن هستند در زمان تداوم پیدا نکنند، محلات از بین خواهند رفت و شهروندان ساکن در آن هم به‌عنوان متولیان و هم کاربران آن، وظیفه حفظ محله را برعهده دارند. گسترش شهرها، همواره نه تنها خدمت‌رسانی به نقاط دورتر از مرکز، بلکه مهم‌تر از آن معنای نقاط مختلف را نیز دچار مشکل می‌کند. کل‌های کوچک که در این‌جا با عنوان محله (یکی از اقسام کل‌های کوچک شهری) از آنها یاد می‌شود، زندگی ساکنان خود را در ارتباط با جامعه‌ای کوچک‌تر در دل جامعه بزرگ شهر، معنادار می‌کند. این کل‌های کوچک خود عامل اصلی تکامل تدریجی و رشد شهرها هستند (همان، ۲۶). توسلی محلات را (که بر پایه مشاهدات اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایجاد شده‌اند) عامل مهمی در ایجاد نظم اجتماعی-فضایی شهرها و به‌نوعی انحصارهایی کوچک‌مقیاس در شهر می‌داند (توسلی، ۱۳۸۱ به نقل از ابرقویی فرد و منصوری، ۱۴۰۰، ۲۶). اهمیت کل‌های کوچک شهری و به‌ویژه محلات به قدری زیاد است که این عنصر در ارتباطی دوسویه با سازمان فضایی شهری، در ایجاد کلی به نام «شهر» بسیار تعیین‌کننده بوده و عدم حضورش، پنداشتن به شهر به‌مثابه یک کل واحد را بسیار دشوار می‌کند. «سازمان فضایی شهر، نظم حاصل از تبلور ذهنیت شهروندان در فضای زندگی آنها یا نظم میان نقش عناصری است که شهر را به‌عنوان یک کل و سیستم معرفی می‌کند» (محمدزاده و منصوری، ۱۳۹۶ ابرقویی فرد و همکاران، ۱۳۹۹، ۲۴). از میان مؤلفه‌های سازمان فضایی شهری، کل‌های کوچک (که اینجا منظور محلات است) دارای ماهیتی اجتماعی است، لذا نه تنها وجه کالبدی بلکه وجه اجتماعی و ذهنی آن بسیار حائز اهمیت است (همان، ۲۴).

در میان رویکردهای مختلف ذی‌نفوذ در مباحث شهری، رویکردی موردنیاز است که کالبد را در کنار معنا بررسی نماید و از این لحاظ مجهز به دیدگاهی سیستمی و کل‌نگر باشد. «نگرشی که در آن شهرسازی و مدیریت شهری دیگر

• اقلیت‌ها و شرایط عمومی آنها

گیدنز «اقلیت» را گروهی از افراد جامعه می‌داند که به سبب خصوصیات فرهنگی یا فیزیکی‌شان، خود را به نسبت دیگر افراد آن جامعه، در وضعی نابرابر می‌یابند (همان، ۸۰۵) و اگر این نابرابری‌ها ساختارمند شود، آن را «قشر بندی» می‌نامد (همان، ۲۳۸). از نظر وی، تمایز میان قومیت‌های خاص با دیگر اقوام، به‌خصوص اگر به لحاظ تعدادی اقلیت نیز باشند، به‌ندرت خنثی است و در اکثر مواقع، با نابرابری‌هایی در حوزه قدرت، ثروت، تسهیلات رفاهی و اجتماعی و همچنین معمولاً خشونت و آزار همراه است (همان، ۲۷۸). برای مثال می‌توان به تاریخ حدود دوهزار ساله آزار و تبعیض اروپای مسیحی در مقابل یهودیان اشاره کرد که بارزترین آن، نسل‌کشی‌های دولت آلمان نازی در حدود جنگ جهانی دوم است. نمونه دیگری مورد تبعیض واقع شدن سیاه‌پوستان و یا ساکنین سرخ‌پوست آمریکا توسط سفیدپوستان است که سال‌ها با تبعیض، خشونت و نابرابری همراه بوده و همچنان نیز تاحدی دیده می‌شود. این تبعیض‌ها معمولاً با حصر اجتماعی این گروه‌ها همراه است. آنتونی گیدنز با بررسی جامعه‌شناسانه اقلیت‌ها، به ویژگی‌هایی برای این گروه‌ها رسیده است (که شامل: ۱) شرایط زندگی نامساعد (به‌دلیل در معرض تبعیض دیگران قرار گرفتن)، ۲) حس تعلق، هم‌بستگی، حس وفاداری و افزایش علایق مشترک درون گروهی (اغلب علاقه دارند خود را گروهی مجزا از دیگران بدانند (ما و آنها))، ۳) جداسازی از دیگر گروه‌های شهر با حصار و دیوار، اسکان در محلاتی جدا، ازدواج درون گروهی و گاهی تفاوت در استفاده از تسهیلات (مانند استفاده از واگن‌های مجزای قطار در آمریکا برای سیاه‌پوستان و یا نصب علامت مشخص یا پوشیدن لباس مخصوص برای یهودیان در زمان جنگ جهانی دوم به دستور نازی‌ها) است (همان، ۲۷۹). گروه‌های اقلیتی معمولاً در مناطق شهری به نام «گتو»^۴ مستقر هستند. این اصطلاح که در کشورهای اسلامی «یهودیه» نامیده می‌شود، در معنای متأخرتر خود نه‌فقط به مناطق یهودی‌نشین بلکه به مناطقی با جمعیتی با ویژگی‌های خاص فرهنگی، نژادی، دینی، قومی و... اطلاق می‌شود (مانند گتوهای سیاه‌پوستان یا محله چینی‌ها در آمریکا). معمولاً گتوها با مفهوم فقر و نابرابری‌های اجتماعی-اقتصادی همراه هستند (فکوهی، ۱۳۹۶، ۲۹۶)، هرچند استثناهایی نیز یافت می‌شوند که جلفا نیز یکی از آنهاست. کیفیت پایین اغلب گتوها که ناشی از نابرابری و تبعیض‌های سازمان‌یافته است، بر مردمان ساکن آنها تأثیر زیادی دارد. رونق گتوها و کیفیت بالای زیست در آنها که ناشی از حمایت‌های بالادستی و پذیرش فرهنگی اکثریت شهر است، در ارتقای زیست ساکنان آن و شکوفایی

ایشان تأثیر بسزایی دارد به‌نحوی که دن میچمن می‌نویسد «ما چیزی هستیم که گتو از ما ساخته است» و در ادامه تأثیر آن را بر ساکنان خود در قالب حس ایشان این‌گونه بیان می‌کند «کودکان از آن [گتو] با ترس و بزرگسالان با حقارت یاد می‌کنند» (Michman, 2013).

• تاریخچه جلفا و ارامنه اصفهان

در دوران حکومت صفویه و برگزینی اصفهان به‌عنوان پایتخت، مسیحیان مختلفی در این شهر زندگی می‌کردند که به‌طور کلی آنها را می‌توان در دو دسته «مسیحیان گرجی» و «مسیحیان اروپایی» تقسیم کرد. دسته اول مسیحیانی بودند که از گرجستان به استان اصفهان آمده و در شهر اصفهان و شهرهای اطراف آن مانند فریدن اسکان یافتند. دسته دوم را تجار، مبلغان دینی، سیاحان و سیاست‌مداران و نمایندگان دولت اروپایی تشکیل می‌دادند که به پایتخت حکومت ایران وارد شده بودند. این دو دسته از مسیحیان، در محلات مختلف شهر ساکن شده و به کار و زندگی می‌پرداختند و به‌دلیل اقلیت بودن و عدم انسجام درون گروهی خود، کمترین تأثیر اجتماعی را بر روند شهر داشتند. در زمان مناقشات دولت صفوی و دولت عثمانی، مناطقی که به جبهه‌های مرزی این دو حکومت نزدیک بودند، آسیب‌های فراوانی را متحمل می‌شدند که یکی از این مناطق، در حوزه قفقاز واقع شده بود. مردمان جلفای ارمنستان بسیار در معرض دست‌درازی‌های دولت عثمانی قرار می‌گرفتند. شاه عباس اول، تصمیم بر کوچ اجباری افراد این منطقه به درون کشور و درامان قرار دادن آنها گرفت. از این بابت لفظ در اینجا «کوچ اجباری» استفاده می‌شود که مردمان این منطقه، چاره‌ای جز ترک دیار نداشتند. هرچند همانطور که در ادامه ذکر خواهد شد، این کوچ برای حکومت صفوی نیز منافی به همراه داشت. در سال ۱۰۱۳ ه.ق. (۱۶۱۲ م.) ارامنه از جلفا به داخل ایران وارد شدند اما از این جمعیت، به‌دلیل قحطی و شرایط نامناسب جوی، تنها ۵ درصد به سلامت به اصفهان رسیدند (جعفری، ۱۳۹۱، ۷). اما سؤال این‌جاست که چطور این افراد در آینده محله‌ای پررونق می‌سازند به‌گونه‌ای که در نوشته سیاحان و گردشگران مختلف، این‌طور یاد شده است: «چنان خانه‌های مجللی ساختند و نقش و نگاری با طلا و لاجورد بر آنها انداختند که چشم هر بیننده را خیره می‌کرد و هم کلیساهایی برآوردند، معجزه‌مانند در خور شوکت و جلال خداوندی...» (دروهانیان، ۱۳۷۹ به نقل از جعفری، ۱۳۹۱، ۱۰).

• تاریخچه دوباره و یهودیان اصفهان

پس از شکست بابل از کوروش هخامنشی در حدود ۲۵۰۰ سال پیش و آزادسازی یهودیان از چنگ آنها، عده‌ای به بیت‌المقدس و عده‌ای به ایران کوچ کردند. حضور یهودیان

محکم‌تری نسبت به تجار مسلمان داشته‌اند (جعفری، ۱۳۹۱، ۱۸). دلایل مختلفی برای تقویت مسیحیان مهاجر ارمنی بیان شده است که یکی از مطرح‌ترین آنها تقویت ارتباط تجاری مسیحیان ارمنی با مسیحیان اروپایی بوده است. هرچند این دلیل اصلی‌ترین دلیل کوچ آنها به نظر نمی‌رسد اما مسئله اقتصاد و تجارت، از مهم‌ترین نقش‌های اجتماعی ارمنه در اصفهان صفوی به‌شمار می‌رود (همان). دلایلی که علی‌اکبر جعفری به‌عنوان برگ‌برنده ارمنه جهت تسخیر بازار تجاری بیان نموده است شامل: آشنایی با زبان‌های خارجی (هم‌زبان کشورهای اروپایی)، آشنایی با مناسبات تجاری اروپائیان، شبکه گسترده ارتباطی ارمنه و دین مشترک (که سبب مسافرت و اسکان و تجارت بهتر آنها با هم‌کیشان اروپایی خود می‌شد) و کم‌خرج بودن ارمنه در سفر و تجارت است (همان، ۲۰). تحلیل‌های مبتنی بر بررسی و مقایسه ویژگی‌های محلات جلفا و جویباره در طول تاریخ که باعث شده این دو محله شخصیت متفاوتی داشته باشند در قالب جدول ۱ بیان شده است.

منظر محصول دنیای مدرن و نگاه غیرکارترین است. همچنین سنتزی است از عینیت و ذهنیت با توجه به این نکته که پس از امتزاج این دو مؤلفه، موجودی جدید شکل می‌گیرد که نه عین است و نه ذهن، هم عین است و هم ذهن (منصوری و فرزین، ۱۳۹۸، ۱۹) لذا پرداختن به هر دو جزء منظر برای ادراک کامل پدیده‌ها الزامی است، اما بررسی مجرد هر کدام از آنها، اشتباه تکنیکی است که شهرهای امروز ما با آن دست‌وپنجه نرم می‌کنند (مانند توجه صرف به مسائل عینی و کالبدی). همان‌گونه که محدود کردن اقدامات مدیریت شهری به تمهیدات کالبدی و سخت‌افزاری، بر روند ناتوانی شهرها و محلات به پاسخ‌گویی نیازها و نقش‌های اجتماعی آنها و زوال هرچه بیشتر و در نهایت حل‌شدن محلات در مفهوم بسیط شهر، دامن می‌زند (ابرقویی فرد و همکاران، ۱۳۹۹، ۲۳).

محله جلفا و جویباره هر دو در شهری واحد (اصفهان) و در زمانی مشابه (زمان نگارش این متن سال ۱۴۰۰ ه.ش) و با ویژگی واحد اقلیت‌نشینی، مورد بررسی قرار گرفته‌اند. در تحلیل پرسشنامه‌های اخذشده از شهروندان، جلفا به‌عنوان محله به‌رسمیت شناخته می‌شود در صورتی که جویباره تا حد زیادی تنها در خاطر افراد به‌عنوان محله باقی مانده است. پاسخ شهروندان به این سؤال که چرا جلفا را به‌عنوان محله می‌شناسند، تلفیقی از ویژگی‌های ذهنی، اجتماعی، فرهنگی و عناصر کالبدی بود که به نوعی نماد و نمایانگر دین مسیحیت ساکنین این محله (زبان و مکالمات ساکنین با زبانی متفاوت، اعیاد، جشن‌ها و مراسم خاص ساکنان، اسامی بناها، معابر و مغازه‌ها، تزئینات ابنیه و مغازه‌ها،

در اصفهان نیز به همان دوران بر می‌گردد. ایشان منطقه‌ای ساختند که بعدها یهودیه نامیده شد و «آنچنان که از نگارش جغرافی‌نویسان قدیم بر می‌آید، اصفهان کنونی، بر ویرانه‌های همان جی باستان و یهودیه متاخر بنا شده است [...]» (مصطفوی، ۱۳۶۹ به نقل از سنگتراش و پورمند، ۱۳۹۸، ۱۱). این محله در قرن پنجم هجری به نام جویباره (جویباره) نامیده و همچنان نیز بدان اسم خوانده می‌شود. این محله که در بافت قدیم شهر واقع شده است، تا زمانی که دولت صفوی در قرن دهم هجری مرکز شهر را از میدان کهنه (واقع در بافت قدیم و نزدیک جویباره) به میدان تازه تأسیس خود، نقش جهان، منتقل کند، رونق فراوانی داشت اما پس از آن از اهمیت این محله کاسته شد (کریمیان و نیک‌زاد، ۱۳۹۱، ۲۰۲). باتوجه به ویژگی‌های مشترک محله جلفا و جویباره (اقلیت بودن، حیات همزمان و بستر یکسان) به بررسی مختصر تاریخچه این محلات پرداخته و در ادامه با مقایسه آنها دلیل تداوم یا عدم تداوم مفهوم محله را در هریک کاوش می‌شود.

بحث

پس از ورود ارمنه به شهر اصفهان، شاه عباس اول زمین‌های سلطنتی در جنوب زاینده‌رود (جدا از محلات مسلمان‌نشین) را جهت احداث شهرکی جدید به ارمنه اختصاص داد و ساکنان آن را به یاد محل حیات خویش، جلفا نام نهادند. شاردن دلیل این جداسازی و به نوعی حصر اجتماعی را نظارت و کنترل بیشتر بر روابط و رفتار آنها و جداسازی مسلمانان از ایشان عنوان کرده است (شاردن، ۱۳۴۵ به نقل از جعفری، ۱۳۹۱، ۱۳) که مانند قانون نانوشته‌ای تا زمان گسترش شهر اصفهان و افزایش جمعیت، حس می‌شد (هرچند منعی برای رفت‌وآمد و معاشرت وجود نداشت اما از اسکان مسلمانان در منطقه جلفا ممانعت می‌شد). نکته قابل توجه این است که برخلاف نظریه گیدنز مبنی بر این که اکثر اقلیت‌نشین‌ها با تبعیض و نابرابری مواجه‌اند، حکومت صفویه با ارمنه رفتاری صلح‌طلبانه داشته و حتی آزادی‌های قابل ملاحظه‌ای به آنها اعطا نموده، به نوعی که درهوهانیان شهرک جلفا را به جمهوری کوچک خودمختار تشبیه کرده (درهوهانیان، ۱۳۷۹ به نقل از جعفری، ۱۳۹۱، ۱۴) و یا آبراهامیان درباره مسیحیان ایران می‌نویسد «عمده مسلمانان را دهقانان، افراد قبیله‌ای و بازاری‌ها تشکیل می‌دادند، [درحالی که] شمار بسیاری از مسیحیان فروشنده، متخصص، صنعت‌گر ماهر و مزدبگیران شهری [...] بودند» (آبراهامیان، ۱۳۹۹، ۴۷۵). حتی این آزادی‌عمل و حمایت مالی و تجاری حکومت به اندازه‌ای بود که در مواردی تجارت برخی اقلام در انحصار مسیحیان قرار داشت و برخی تجار مسیحی جایگاه

توضیحات	محله جویبار (اقلیت یهودی)	محله جلفا (اقلیت مسیحی)
مسلمانان حق سکونت در محله جلفا را نداشته‌اند در صورتی که محله جویبار از دیرباز دارای ساکنین مسلمان نیز بوده است. این نکته به حفظ یکپارچگی جمعیتی و هم‌بستگی جلفا کمک می‌کند.	اختلاط یهودیان با مسلمانان	عدم اختلاط جمعیتی
جلفا شهرکی خارج از شهر بوده لذا تا حد زیادی تبعیت کمتری از شهر اسلامی داشته در حالی که جویبار بسیار متأثر از شرایط و تغییرات شهر اسلامی بوده است.	در دل محلات مسلمان‌نشین	شهرک (محله) خارج از شهر
هرچند مسیحیان نیز در دوره‌هایی مورد ستم حکومت مرکزی قرار گرفته‌اند اما در بیشتر مواقع مورد حمایت حکومت‌ها بوده‌اند. شاخص‌ترین آن دوران صفویه (به‌خصوص ابتدای صفوی) است که زمین و سرمایه جهت تجارت در اختیار ایشان قرار گرفت. در طرف مقابل دوره‌های محدودی وجود دارد که روابط حکومت مرکزی با یهودیان مساعد بوده و حتی ایشان تا مقام‌های بالایی در مناسب حکومتی مشغول بوده‌اند. ^۵ در نتیجه غالباً اقدام مثبت حکومت‌ها، شامل حال مسیحیان شده بود.	رفتار پرفراز و نشیب حکومتی با یهودیان	حمایت اقتصادی، اجتماعی، سیاسی حکومت
دین مسیحیت به نسبت یهودیت، دین باتری است و این امر در برقراری ارتباط مناسب شهروندان مسلمان با آنها به‌خصوص در حال حاضر بسیار مؤثر است (مانند آزاد بودن بازدید از کلیساها برای عموم غیرمسیحی). اما نکته بسیار اساسی تفاوت احداث محله جلفا در خارج شهر اسلامی و حضور محله جویبار در داخل شهر اسلامی است. ^۶ این امر یهودیان را به رعایت الزامات شهرسازی ذمی مجبور می‌کند در صورتی که ارامنه آزاد به ساخت‌وساز بوده‌اند (کریمیان و نیکزاد، ۱۳۹۱، ۲۱۲).	حضور در قسمت ذمی شهر اسلامی	آزادی دینی و شهرسازی

بافت به موزه و مهاجرت ساکنین - که حیات‌بخش محله هستند - به خارج بافت و جایگزینی واحدهای مسکونی با مغازه‌ها، کافی‌شاپ‌ها و رستوران‌ها جهت ایجاد بافت جاذب بازدیدکننده و تولید انواع سرمایه‌های اقتصادی و گردشگری، وجود دارد. چراکه پویایی و حیات محلات، به حضور ساکنان آن وابسته است. بنابراین رونق محله جلفا به غیر از عواملی که در بالا ذکر شد می‌تواند از برنامه‌های توسعه و درآمدزایی اقتصادی (حفظ بافت و محله‌بودن جلفا جهت جذب گردشگر یا مشتری مغازه و غذایه‌فروشی‌ها) چه در سطح کلان مدیریت شهری و چه سطح خرد (صاحبان املاک و مغازه‌ها) نیز ناشی شود که در این صورت مفهوم محله کاذب خواهد بود. پس می‌توان این‌گونه نتیجه گرفت که مدیریت شهری و تمهیدات اقتصادی - سیاسی می‌تواند در کنار دیگر عوامل کالبدی و فرهنگی - اجتماعی موجب حمایت از مفهوم محله شود که به تفصیل پیشتر بیان شده است.

نتیجه‌گیری

انسان پس از دوران غارنشینی به یک‌جانشینی و زندگی اجتماعی روی آورد. افراد در طول زمان مختلف طبق مناسبات خویشاوندی، نژادی، قومی و قبیله‌ای، مذهبی و در

کلیساها، برج ناقوس، صلیب، نماد و زبان ساکنین محله) و دیگر عناصری که شاخصه و وجه ممیزه جلفا از دیگر محلات در ذهن مخاطبین به‌شمار می‌آید. این در صورتی است که ساختمان کنیسه‌های یهودی، نوشته و علائم مختص این دین در محله جویبار نیز دیده می‌شود و اگر تنها وجه کالبدی جلفا باعث تداوم آن شده بود، جویبار نیز باید این اتفاق را تجربه می‌کرد اما چنین نشده است. پس وجود المان‌های مذهبی و ظاهر بناهای این دو اقلیت (وجه کالبدی) تنها عامل دوام محله جلفا نبوده و باید در وجوه ذهنی - اجتماعی نیز به دنبال عواملی گشت که با همراهی عوامل عینی موجب تداوم محله شده است. ذکر دو نکته اساسی در این باب حائز اهمیت است که مطالعات خود را در آینده می‌طلبند. ابتدا آن که با وجود توضیحات بیان شده نه‌تنها ساکنین اقلیت یهودی جویبار بلکه ساکنان مسیحی جلفا نیز بسیار کم شده و اکثراً به خارج از ایران مهاجرت نموده‌اند لذا جمعیت اقلیت‌ها در حال کاهش و جایگزین شدن با اکثریت دینی شهر است. نکته دوم نیز احساس خطری است در باب حفظ و مرمت شهری بافت محله جلفا، که مانند شمشیر دولبه است؛ از طرفی حفظ و مرمت بافت و ابنیه، مهم و حیاتی است ولی از طرف دیگر خطر تبدیل شدن

کافی نیست. در جدول ۲ برخی از عوامل مؤثر در تداوم مفهوم «محلّه جلفا» در گذر زمان تا زمان حال به‌عنوان نتیجه تحقیق آمده است. هرچند برخی از این عوامل در دوران معاصر دیگر کارآمد نیستند اما همین مؤلفه‌های اولیه در دوران حکومت صفوی با تغییر و تقویت، به مؤلفه‌های ثانویه‌ای در طول تاریخ بدل شدند که تا حدی متضمن تحمل فشارهای تغییرات شهرسازی جدید است. در این نوشته تعدادی از مؤلفه‌های مؤثر بر حیات محلّه جلفا بیان شد اما همان‌طور که مشخص است، منظرشهری امری بسیار پیچیده و شامل لایه‌های بسیاری است لذا مؤلفه‌های ذکرشده تنها عوامل حیات بخشی نبوده و ادامه این مسیر مستلزم پژوهش‌های بیشتر از جنبه‌های متفاوت دیگر خواهد بود. در این جا می‌توان قدرت نظام‌های دولتی به‌مثابه متولی شهر و ضرورت سیستم برنامه‌ریزی و مدیریتی مناسب را در ایجاد، حفظ، احیا و تقویت محلات شهری شاهد بود.

مواردی متأخرتر طبق درجه اجتماعی-اقتصادی و یا حتی شغل و پیشه و دیگر انواع گروه‌بندی‌ها، در قسمت‌هایی از شهر سکنی گزیدند و محلاتی را از آن خود ساختند. محله‌بندی تقسیمات ارزشمندی بود که گذشته به یادگار گذاشت و پس از دوره‌ای پشت‌کردن به آن، مجدد انسان در پی تجدید آن در حال حاضر است. محلّه جلفا در اصفهان با هدف اسکان آرامنه مسیحی در زمان صفویه بنا نهاده شد و در طول تاریخ تا حد امکان در مقابل تغییرات خارجی از خود سازگاری نشان داده است. در حالی که منطقه یهودی‌نشین جویباره در طی زمان، تقلیل رفته و تاحد زیادی تشخص محله‌بودن خود را از دست داده است. پژوهش پیش رو با مقایسه این دو محلّه اقلیت‌نشین در شهر اصفهان به این نتیجه رسید که هم‌بستگی مسیحیان جلفا تنها عامل تداوم محله‌جلفا نیست و فرضیه‌ای مبتنی بر این گزاره که «اقلیت‌ها با هم‌بستگی ذاتی خود می‌توانند محله‌های خود را حفظ کنند» هرچند صادق است اما به‌عنوان تنها عامل

جدول ۲. برخی از مهم‌ترین دلایل حفظ هویت محلّه جلفای اصفهان تا امروز. مأخذ: نگارندگان.

دوره زمانی	دلیل تداوم هویت محله	توضیحات
گذشته (مؤلفه‌های اولیه: زمان صفویه)	هم‌بستگی مسیحیان ارمنی*	یکی از مهم‌ترین دلایل، این است که به خاطر در اقلیت قرارگرفتن مسیحیان ارمنی در مقابل اکثریت مسلمان شهر، حس هم‌بستگی ساکنین مسیحی جلفا به‌عنوان یک «روش مردمی» مثل عامل دفاعی در مقابل نیروهای خارجی مقاومت کرده و جلوی تغییرات اساسی (که دیگر محلات را به‌راحتی از بین برده) را گرفته است.
	حمایت حکومت**	قطعاً حمایت‌های حکومت صفوی در این روند روبه‌رشد تأثیر فراوانی داشته است. به‌خصوص اگر این گروه با مسیحیان گرجی یا اروپایی ساکن اصفهان و یا حتی دیگر اقلیت‌ها مانند یهودیان محلّه جویباره مقایسه شود، در می‌یابیم که حمایت‌های دولتی عاملی بوده که دیگر گروه‌های اقلیتی نداشتند و همین امر باعث این تفاوت فاحش شده است.
	هم‌بستگی مسیحیان ارمنی*	هرچند اختلاط سکونت مسیحیان و مسلمان در حال اتفاق افتاده اما غالب محله هنوز مسیحی بوده و هم‌بستگی خود را حفظ نموده‌اند (حفظ و تداوم آثار و نشانه‌های مسیحیت در محله).
حال (مؤلفه‌های ثانویه: زمان حال)	ثروت ساکنان**	به‌دلیل رونق قابل‌ملاحظه جلفا و تجارت اهالی این منطقه، ساکنان به نسبت از ثروت و قدرت بالایی برخوردار بوده و هستند که باعث می‌شود توان مقابله با تغییرات را داشته باشند.
	خواست جمعی	رونق محله از دیرباز تاکنون باعث شده محلّه جلفا همواره دارای حیات و رونق جذابی برای شهروندان دیگر نقاط شهر و حتی بازدیدکنندگان داخلی و خارجی باشد. ارتباط آرامنه ^۴ با اروپا و تجارت باعث شده همواره فرهنگ وارداتی اروپایی و همچنین ثروت ایشان سبب ایجاد مسکن و مغازه‌هایی متفاوت با فرهنگ ایران و اشکال وارداتی برای ساکنین شهر جذاب باشد. همین باعث می‌شود در مقابل تخریب، نیروی مردمی دوستدار جلفا بتواند مقاومت کند.

**#* مواردی که با ستاره‌های مشابه علامت‌گذاری شده‌اند، عواملی هستند که در طول زمان از گذشته به حال، تحول‌یافته و به‌نوعی عوامل کنونی، نتیجه این تحول عوامل گذشته در زمان حال است.

پی‌نوشت‌ها

۱. روش‌های مردمی: «روش‌های مردمی فرایندهایی هستند که اعضای یک جامعه مشخص برای تولید جهان خود و بازشناسی و نزدیکی با آن به‌کار می‌برند.» (اوژه و کولن، ۱۳۹۸، ۴۱).
۲. «یکی از نیروهای متقاعدکننده در پشتیبانی از هنر مدرن و به‌طور ویژه‌تر مدرنیسم در معماری، انگیزه‌ی عامدانه برای شکستن اشکال سنتی از جمله مفهوم محله بوده است [...] که به ازهم‌پاشیدن منظر، هم در شهرها و هم حومه‌ها انجامیده» (برک، ۱۳۹۶، ۷۵) و مدرنیسم را در حل این بحران عاجز و آن را قاتل منظر معرفی می‌کند (همان، ۸۱). نکته حائز اهمیت آن است که تأییدکنندگان این انگیزه‌ی عامدانه را «مردم عقب‌افتاده» معرفی می‌کند که از ایده‌های نظریه‌پردازان مدرنیسم تبعیت می‌کنند (همان، ۷۵) و چنین تعبیری بیان‌کننده‌ی تغییر نگرش درباره‌ی نظریات مدرنیسم است.
۳. رجوع شود به مقاله «شهرپایدار-سیاست‌هایی برای دستیابی به پایداری محله‌ای» (کریمی‌مشاور و نگین‌تاجی، ۱۳۹۱).
۴. کلمه گتو از ریشه‌ی ایتالیایی «Ghetto» گرفته شده و به منطقه‌ی یهودی‌نشین ونیز ایتالیا در سال ۱۵۱۶ میلادی برمی‌گردد.
۵. حتی زمانی که شرایط آرامنه به خاطر روابط دوستانه با اروپا مساعدتر می‌گردد، شرایط برای یهودیان دارای مصیبت‌های بیشتری می‌شود؛ «زیرا یهودیان اروپای مسیحی نیز هم‌زمان با بی‌مهری مواجه می‌شدند و این امر بر ناگواری اوضاع یهودیان ایران بسیار تاثیرگذار بود» (کریمیان و نیک‌زاد،

- ۱۳۹۱، ۱۹۸).
۶. اقدام مثبت، به برنامه‌هایی که به‌منظور متعادل‌سازی وضعیت جامعه‌ای که اقلیت‌ها در آن در وضع نامطلوبی قرار دارند به اجرا در می‌آیند اطلاق می‌شود (گیدنز، ۱۳۹۰، ۲۹۸).
۷. «قانون قرارداد ذمه (جزیه) با نزول آیه ۲۹۹ سوره توبه تشریح [شد...] و اقلیت‌های یهودی، مسیحی و زرتشتی با پذیرش این قرارداد قادر به زندگی در سرزمین‌های اسلامی شدند.» (عمیدزنجانی به نقل از کریمیان و نیک‌زاد، ۱۳۹۱، ۱۹۴). طبق این قرارداد، اقلیت‌های ادیان ابراهیمی حاضر در سرزمین اسلامی، موظف به رعایت اصولی در شهرسازی خویش‌اند. به‌عنوان مثال ارتفاع ابنیه این ادیان نباید بلندتر از ابنیه مجاور مسلمانان باشد (دلیل پایین‌تر از گذر قرارگرفتن ابنیه یهودیان جویبار اصفهان) و یا در ورودی ابنیه باید به درون بن‌بست یا کوچه فرعی باز شود و از این قبیل اصول که بیشتر دلیل محرمیت و حفظ دید را داشته است.
۸. آرامنه تنها ساکنین جلفا اصفهان نیستند بلکه به دستور شاه عباس دوم صفوی در سال ۱۶۴۰م. تمام مسیحیان شهر اصفهان به این محله منتقل شدند؛ با این حال به‌دلیل آن‌که نطفه جلفا برای اسکان آرامنه گذاشته شد و ایشان اکثریت مسیحیان شهر اصفهان را تشکیل می‌دهند، در متن برای ذکر نام ساکنین جلفا، از واژه «ارمنی‌ها یا آرامنه» استفاده شده است.

فهرست منابع

- آبراهامیان، پرواند. (۱۳۹۹). *ایران بین دو انقلاب* (ترجمه احمد گل‌محمدی و محمدابراهیم فتاحی). تهران: نشر نی.
- ابرقویی فرد، حمیده و منصور، سید امیر. (۱۴۰۰). بازخوانی مؤلفه‌های سازنده سازمان فضایی شهر ایرانی پس از اسلام در سفرنامه‌های قرن نهم تا چهاردهم هجری قمری. منظر، ۱۳(۵۵)، ۲۰-۲۹.
- ابرقویی فرد، حمیده؛ برومند، هدیه؛ طایفه حسنیلو، اردلان؛ لطیفی، محمدمهدی؛ نبئی، سیده یگانه و نیک‌زاد، غزل. (۱۳۹۹). فضای جمعی، مفهومی روبه زوال ارزیابی کیفیت اجتماعی فضاهای شهری در بافت تاریخی شهر گرگان. هنر و تمدن شرق، ۸(۲۸)، ۲۳-۳۲.
- استراوس، انسلم و کرین، جولیت. (۱۳۹۸). مبانی پژوهش کیفی؛ فنون و مراحل تولید نظریه‌ی زمینه‌ای (ترجمه ابراهیم افشار). تهران: نشر نی.
- اوژه، مارک و کولن، ژان-پل. (۱۳۹۸). *انسان‌شناسی* (ترجمه ناصر فکوهی). تهران: نشر نی.
- ایجاد «خانه واحد» مسیحیان، مسلمانان و یهودیان در برلین. (۱۳۹۹). *خانه‌های واحد مذهبی*. تاریخ مراجعه: ۱۴۰۰/۷/۲۰. قابل دسترس در: <https://p.dw.com/p/3mDps>.
- براتی، ناصر. (۱۳۹۱). محله‌گرایی در تهران: گامی به سوی شهر انسان‌گرا. منظر، ۴(۱۸)، ۶۶.
- برک، آگوستین. (۱۳۹۶). *اندیشه منظر* (ترجمه علی اسدیپور). مشهد: کتابخانه کسری.
- جعفری، علی‌اکبر. (۱۳۹۱). جامعه‌شناسی تاریخی موقعیت و عملکرد اقلیت‌های مذهبی در شهر اصفهان دوره صفوی (مطالعه‌موردی: آرامنه جلفای اصفهان در عصر صفوی). *پژوهش‌نامه تاریخ اجتماعی و اقتصادی*، ۱(۱)، ۱-۲۳.
- سنگتراش، فتنه و پورمند، حسنعلی. (۱۳۹۸). اندیشه یهودیان در ایجاد کنیسه (نمونه‌موردی: محله جویبار اصفهان). *هنر و تمدن شرق*، ۷(۲۶)، ۵-۲۰.
- شاهچراغی، آزاده و بندرآباد، علیرضا. (۱۳۹۶). *محاط در محیط*. تهران: جهاد دانشگاهی تهران.
- فکوهی، ناصر. (۱۳۹۶). *انسان‌شناسی شهری*. تهران: نشر نی.
- فضل، نادیه. (۱۳۹۹). *زندگی یهودیان در آلمان پس از هولوکاست*. تاریخ مراجعه: ۱۴۰۰/۷/۲۰. قابل دسترسی در: <https://p.dw.com/p/3pbic>.
- قلعه‌نویی، محمود؛ صالحی‌نیا، مجید و پیمان‌فر، سپیده. (۱۳۹۵). معنای فضای شهری در دو طیف مسلمانان و یهودی. *آرمان‌شهر*، ۹(۱۷)، ۲۷۳-۲۸۴.
- کریمیان، حسن و نیک‌زاد، میثم. (۱۳۹۱). تأثیر موازین فقهی بر شکل‌یابی معماری و محله‌های مسکونی اقلیت‌های یهودی و مسیحی در اصفهان دوره صفوی. *جامعه‌شناسی تاریخی*، ۴(۲)، ۱۹۳-۲۲۴.
- کریمی‌مشاور، مهرداد و نگین‌تاجی، صمد. (۱۳۹۱). شهر پایدار؛ سیاست‌هایی برای دستیابی به پایداری محله‌ای. منظر، ۴(۱۸)، ۷۴-۷۹.
- گیدنز، آنتونی. (۱۳۹۰). *جامعه‌شناسی* (ترجمه منوچهر صبوری). تهران: نشر نی.
- منصور، سید امیر. (۱۳۹۷). منظر مردمی شهر. منظر، ۱۰(۴۴)، ۳-۳.
- منصور، سیدامیر و فرزین، احمدعلی. (۱۳۹۸). *رویکرد منظرین در طراحی شهر؛ روش‌شناسی طراحی فضای شهری*. تهران: پژوهشکده هنر، معماری و شهرسازی نظر.
- موسوی، سید یعقوب. (۱۳۹۱). محله نوین؛ الگوی جامعه‌شناسی شهری از توسعه محله‌ای. منظر، ۴(۱۸)، ۶۷-۷۳.
- نوربرگ-شولتز، کریستیان. (۱۳۹۸). معنا در معماری غرب (ترجمه مهرداد قیومی‌بیدهندی). تهران: متن.
- Choy Wong, Ch. (1977). Black and Chinese Grocery Stores in Los Angeles Black Ghetto. *Journal of Contemporary Ethnography*, 5(4), 439.
- Loo, Ch., Tong, B. & True, R. (1989). A bitter bean: Mental health status and attitudes in Chinatown. *Journal of Community Psychology*, 17(4), 283-296.
- Mitchell, S.L. & Dell, D.M. (1992). The relationship between Black students' racial identity attitude and participation in campus organizations. *Journal of College Student Development*, 33(1), 39-43.

- Michman, D. (2013). *The Emergence of Jewish Ghettos during the Holocaust*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Santos, C.A., Belhassen, Y. & Catona, K. (2008). Reimagining Chinatown: An analysis of tourism discourse. *Tourism Management*, 29(5), 1002-1012.
- Brunson, R. K. (2007). Police don't like black people: African-American young men's accumulated police experiences. *Criminology & Public Policy*, 6(1), 71-102.
- Wacquant, L.J.D. (1993). Urban Outcasts: Stigma and Division in the Black American Ghetto and the French Urban Periphery. *International Journal of Urban and Regional Research*, 17(3), 366-383.



COPYRIGHTS

Copyright for this article is retained by the authors with publication rights granted to Manzar journal. This is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).



نحوه ارجاع به این مقاله
سرتیپی اصفهانی، محمد رضا و ثقفیان، نگین. (۱۴۰۱). جلفا، بازمانده‌ای از مفهوم محله. منظر، ۱۴(۶۰)، ۵۲-۶۱.

DOI: 10.22034/MANZAR.2022.310354.2159
URL : http://www.manzar-sj.com/article_149836.html

